

دوشنبه ارجمند سال پیش که در مسکو بودم از خانم رضی محمداف بیوزان به اتفاق مردم

و در حاشیه آن بعضی ارادت میدادیم. تا تبین امسال هم که در مسکو بنیدار رضا موفقی شده بودم

در حضور رضی گرامس در و محمداف سخن از ما رفت. رضی صد قسمی از خانم گفته آینه را

برای من خواندند رضی محمداف هم چنین اقتضای را بمن دادند. تقسیم کردم، حذف نزاکت بحساب

کنید با تقیم نامه ای مصدع تا بگویم. برآه آشنا و بگفته است جز برای هنرمندان که آشنای

م و هم آشنای آنهاستند. اجازه بدید موفقی تا در تمام دانشگاه ادبیات صحنه تهرانی

گفتم. از دل و جان آرزو دارم که بیکجا موفقی از ما جدا نمی شود. تقسیم دارید کی آراحت کنی

و آثار نوی ای بد کنی. این مژده ای برای مسافران شرف است. مادر مطه نامرخی در حق

زندگی میکنم. کارهای سنگینی که در شورای صورت گیرد و ما افتخار این را داریم که از نزدیک

شاید این کارهای عظیم معجزه آسا بشیم افق وسیع جهانی را در برابر سخنگوی گفته آفرین مصلحت

باز کنید. ولی رضی عزیز سخن در اینجا تمام است. مردم زجر دیده عموم ایران هم سهم دارند

جنبش های ایام اخیر در ایران مایه سرافرازی و امیدواری هم ماست. آینه در فضا

رنگاری همین حافظ و سعدی دور است.

غریب و غنونه اشارت‌های شرافت. از آنها فرستادند. ستم استغناء کردم و از آن موادی

برای درس مزبور ساختم. اصل در دسترسه در باب اشارت یک سخنی و یک دیلم تحت

رسمی است باید تسلیم شود. از این لحاظ لازم دیدم مستقیماً بخود مراجعه کنم و لکن بخوام.

تقاضای شرح حال خود را از آنکه مربوط تر با اشارت جدیدان (خاصه در باب صلح)

بسیار است ارسال بفرمایید. رضی ارضد. حسب و تراضی مانع نمی شود چه نخواهد بود

خواهد در باب آثار مطالعه در بی مورد، پس چه بهتر مدارک سالم و صحیح در دسترس باشد.

من از شرح شرح حال مربوط و غنونه اشارت مربوط تر گرفته ام و مورد استغناء

قرار گیرد. تقاضای دوم این است که از ترجمه اشارت ^{حالی} خود یک نسخه به کتابخانه دانشگاه

فارس ارسال بفرمایید. ~~موردی~~ سخن دلدار شد و من بپوشش میخوام. اینهم تقاضای فوق

بود مایه رحمت است ولی این رحمت را نه بخاطر رضی نوازی بلکه بخاطر لکن

بدان جوان جوان ما که شوق و عده دارند بر سر آثار آن که نه بپوشش ~~موردی~~ بفرمایید.

مردافزون احمد طباطبائی

—